# متن درس 656-940826‌‌‌

**‌‌‌سه‌شنبه – جلسۀ 30**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به صوم ایام تشریق به اینجا رسید که عرض کردیم مستفاد از ادله این هست که صوم روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم مشروع نیست. این ثلاثة ایام بدل هدی را باید بعد از روز سیزدهم، از روز چهاردهم به بعد بگیرد اگر قبل از ایام تشریق نگرفته. فقط یک مورد استثناء می‌شود و آن کسی است که در صحیحۀ رفاع بود که لم‌یقم علیه جماله. یعنی معذور است. چون معذور است، مضطر است، یصوم یوم الحصبة، یوم الحصبة را گفتیم روز سیزدهم، و یومین بعده. ملتزم می‌شویم مضطر روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم روزه می‌گیرد؛ و لو روز سیزدهم در منی باشد. چون متعارف در یوم الحصبة هم این بود که در صبح روز سیزدهم مردم در منی بودند. و ذیل این حدیث در نقل کلینی هم دارد که قلت: و ما الحصبة قال: یوم نفره؛ روزی که او نفر می‌کند، یعنی روز سیزدهم، یوم الحصبة‌ است. خود این شخص هم جزء نافرین است.

راجع به این مطلب، آقای زنجانی فرمایشاتی دارند چه در مناسک حج‌شان چه در بحث صوم که مناسب هست عرض کنیم.

در مناسک فرموده‌اند که صوم روز سیزدهم برای مضطر که جایز هست مانند کسی که دو روز را قبلا روزه گرفته فقط مانده یک روز و روز چهاردهم هم می‌خواهد از مکه برود، این مثال مضطر است. دو روز قبلا روزه گرفته مثلا روز هشتم و نهم روزه گرفته یک روز به گردنش مانده از ثلاثة ایام بدل هدی، روز چهاردهم که از مکه می‌خواهد برود به شهر خودش به او می‌گوییم: تو مضطری؛ نمی‌توانی بمانی؛ روز سیزدهم روزه بگیر.

ما نفهمیدیم چرا مثال مضطر را به این مثال، مثال زدند با این‌که در صحیحۀ رفاعه دارد یصوم یوم الحصبة و یومین بعده. مضطر مثال واضحش این است که کسی که نمی‌تواند سه روز را در مکه بعد از ایام تشریق روزه بگیرد. چرا مثال را بردید یک مثال خفی‌ای زدید که دو روز را قبلا روزه گرفته، فقط مانده یک روز که آن هم مجبور است روز سیزدهم روزه بگیرد. این مثال خالی از مناقشه نیست.

[سؤال: ... جواب] این را قبول دارم اما مثال به این، شبیه اکل از قفا است. وقتی خود صحیحۀ رفاعه مثال زده گفته: یصوم یوم الحصبة‌ و یومین بعده اذا لم‌یقم علیه جماله، چرا این مثال خود صحیحۀ رفاعه را نزنیم؟ کانه در این مثال مناقشه دارید؟ مناقشه‌تان چیست؟ این مورد اخص است از عمومات نهی از صوم ایام تشریق. تخصیص می‌زنیم آن عمومات را. ما قبول نکردیم فرمایش آقای خوئی را که کسی قائل به این تفصیل نیست بین معذور و غیر معذور. این، بحث استنباطی بود؛ اختلاف آراء بود. شبیه آنچه که در اجماع مرکب می‌گویند، احداث قول ثالث که مشکل ندارد بعد از وجود اختلاف بین فقهاء. این فوقش احداث قول ثالث است اگر کسی تا حال قائل نشده است که تفصیل بدهیم در صوم روز سیزدهم بین مضطر و غیر مضطر طبق صحیحۀ رفاعه. تسالم اصحاب بر ابطال این تفصیل را نفهمیدیم.

آقای زنجانی مطالب دیگری دارند. از جمله فرمودند که ما به نظرمان صوم این ایام تشریق در مکه هم حکم صوم ایام تشریق را در منی دارد. اگر کسی عصیانا او عذرا نفر کرد از منی، روز فرض کنید دهم حرجی بود در منی بماند، رمی جمار هم که حرجی است خودش انجام بدهد نائب گرفت، آمده مکه می‌خواهد روز بگیرد، صوم ثلاثة ایام بدل هدی مشروع نیست. مکه مثل منی است. که ما این را پذیرفتیم. گفتیم: لاتصم ایام التشریق؛ لاتصم هذه الثلاثة ایام التشریق؛ صم بعد ایام التشریق؛ این، اطلاق دارد. آن روایت صحیحۀ معاویة‌ بن عمار که می‌گوید: نهی از صوم ایام تشریق لمن کان بمنی و اما من کان بالامصار فلابأس؛ یا و اما بغیرها فلابأس، ظهور ندارد مگر در تقیید آن نهی مطلق از صوم ایام تشریق. ظهور ندارد در تقیید این صوم ثلاثة ایام بدل هدی. اگر یک کسی گفت: اکرم العالم، بعد گفت: هذا یعنی هذا الحکم فی غیر یوم الجمعة مثلا، یک خطاب دیگر گفت که اکرم العالم العادل، او را که تقیید نزد. اکرم العالم را گفت، هذا لغیر یوم الجمعة اما یوم الجمعة فلا. او وجوب اکرام عالم مطلق را تقیید می‌زند؛ اما حکم آخری به نام وجوب اکرام فقیه [عادل] او که قید نخورد. ظهوری ندارد این مقید در بیش از تقیید آن حکم مطلق راجع به صوم ایام تشریق. این مطلب ایشان درست است.

اما مطالب دیگری هم دارد. از جمله این‌که ایشان می‌گوید: کسی که بداند ده روز اول ذیحجه که فاقد الهدی هست، واجب است همان دهۀ روز اول روزه بگیرد؛ تاخیر جایز نیست.

ما نفهمیدیم. مطالب ایشان هم دم دست ما نیست. با صحیحۀ زراره چکار می‌کند ایشان؟ این‌که یجب علی من علم بعجزه عن الهدی ان‌یصوم فی العشر من ذی‌الحجة و لایجوز له التاخیر، با صحیحۀ زراره چی می‌شود که می‌گوید: ان احبب ان‌تصوم هذه الثلاثة فی العشر الاواخر فلابأس بذلک. با این صحیحه من نمی‌دانم ایشان چه می‌کند. ما که وجهی برای رفع ید از این صحیحه نمی‌بینیم.

باز ایشان فرمودند که واجب است صوم این سه روز، بعد از تلبس به احرام حج باشد.

اگر مقصود ایشان عمرۀ تمتع است که این روشن است.

[سؤال: ... جواب] ایشان فرموده: صوم ثلاثة ایام بدل هدی علی الاقوی باید بعد از تلبس به احرام حج باشد، اگر مراد، عمرۀ تمتمع است که روشن است عی الاقوی ندارد؛ چون فمن تمتع بالعمرة الی الحج فما استیسر من الهدی فمن لم‌یجد فصیام ثلاثة ایام. اگر مراد تلبس به خصوص حج بعد از عمرۀ تمتمع است، لابد چون قرآن می‌گوید صیام ثلاثة ایام فی الحج، عرض کردیم سابقا این خلاف روایات است. روایاتی که می‌گوید: روز هفتم روزه بگیر. حج تمتمع متعارفش این بود که روز هشتم محرم می‌شدند برای حج. اگر بنا بود روز هفتم، روزۀ این سه روز بدل هدی را آدم بگیرد، محرم باید باشد به احرام حج، خب این نیاز به تذکر و تنبه داشت. یا آن روایتی که می‌گوید:‌می توانی اول ماه ذیحجه می‌توانی این سه روز را روزه بگیری که ایشان آن روایت را صحیح می‌دانست: روایت بزنطی از زراره؛ احمد بن محمد بن ابی‌نصر که نقل کرد از زراره به سندی که مورد بحث بود؛ آقای زنجانی این را از باب تعلیق سند پذیرفتند. در آنجا داشت که لابأس ان‌تصوم فی اول العشر من ذیحجة. نفرمود و لکن محرم بشو به حج تمتع و بعد روزه بگیر.

 مطلب دیگر ایشان این است: فرمودند: کسی که روز هفتم و هشتم ذیحجه روزه می‌گیرد ولی روز نهم که روز عرفه است از روز عذر روزه نمی‌گیرد، مثلا جاهل به حکم است، روز نهم که روز عرفه است روز سوم ثلاثة ایام فی الحج را روزه نگرفت لعذر کالجهل بالحکم روزه‌اش صحیح است. تتابع بهم می‌خورد ولی روزه‌اش صحیح است. یک روز، واجب موسع هم هست، بعد از ایام تشریق هر وقت که شد تا آخر ذیحجه وقت دارد، روزه بگیرد. تتابع شرط نیست. کسی که روز هفتم و هشتم روزه گرفت روز نهم که روز عرفه است لعذر روزه نگرفت.

این هم دلیل ندارد. ما روایتی طبق این پیدا نکردیم. اطلاق این‌که تتابع شرط است در صوم ثلاثة ایام، محکّم است. البته ابن حمزة شبیه این داشت ولی همانجا عرض کردیم دلیلی بر این کلام نیست.

آخرین مطلبی که ایشان در بحث صوم گفته که مطلب مهمی است، این است که ایشان فرموده: ما از روایاتی استفاده کردیم ایام تشریق دهم، یازدهم، دوازدهم است. روز سیزدهم جزء ایام تشریق به عنوان حکم لزومی نیست. روز سیزدهم و لو در منی باشید، اختیارا هم روزه بگیرید، روزه‌تان صحیح است. نهی از صوم ایام تشریق دو طائفه از روایات دارد. یک طائفه تطبیق کرده بر روز یازدهم، دوازدهم، سیزدهم. اما یک طائفۀ دیگر هم تطبیقش کرده بر روز دهم، یازدهم، دوازدهم. پس شد دو استعمال. نهی از ایام تشریق در یک طائفۀ از روایات تطبیق شده بر سه روز غیر از روز عید قربآن‌که عملا می‌شود صوم محرم در منی، چهار روز: دهم، یازدهم، دوازدهم، سیزدهم. ولی طائفۀ دوم این ایام تشریق را منحصر کرده به دهم، یازدهم، دوازدهم. سیزدهم خارج است. جمع عرفی اقتضاء می‌کند حمل کنیم طائفۀ اولی را بر حکم کراهتی. بگوییم: کراهت شدیده دارد؛ منتها کراهت بر وزان کراهت در عبادات که اقل ثوابا هست؛ صوم روز سیزدهم.

[سؤال: ... جواب] چون جمع عرفی بین این دو طائفه این را اقتضاء می‌کند.

حالا این دو طائفه از روایات را بخوانیم:

طائفۀ اولی: روایت محمد بن ابی‌عمیر عن جعفر الازدی عن قتیبة الاعشی. این طائفۀ اولی طائفه‌ای است که مشهور است که ایام تشریق را می‌گوید: یازدهم، دوازدهم، سیزدهم. می‌گوید که نهی رسول الله عن صوم ستة ایام: العیدین، ایام التشریق، یوم الشک. خب اگر ایام تشریق تداخل بکند با صوم یوم عید الاضحی که شش روز نمی‌شود. صوم عیدین، دو روز. ایام تشریق هم سه روز. یوم الشک هم روز ششم می‌شود. پس ایام تشریق سه روز است غیر از صوم عیدین.

صحیحۀ کرّام (عبدالکریم بن عمرو): لاتصم فی السفر و لا العیدین و لا ایام التشریق. در نقل دیگر دارد: و لا ثلاثة ایام التشریق. لاتصم العیدین و لاثلاثة ایام التشریق.

صحیحۀ ابن ابی‌عمیر عن زیاد بن ابی‌حلال دارد: لاصیام بعد الاضحی ثلاثة ایام. بعد از روز عید قربان سه روز نباید روزه گرفت. این هم شد دلیل بر طائفۀ اولی.

[سؤال: ... جواب] لاصیام بعد الاضحی ثلاثة ایام. یعنی بعد از روز عید قربان سه روز بعد از آن هم روزه ندارد. منتها لمن کان بمنی؛ اما سه روز بعد از عید قربان؛ یعنی روز یازدهم، دوازدهم، سیزدهم.

باز هم صحیحۀ معاویة بن عمار: سألت اباعبدالله علیه السلام عن صیام ایام التشریق فقال: انما نهی رسول‌الله عن صیامها بمنی. خب اگر ایام تشریق یک روزش روز دهم است، این‌که اختصاص به منی ندارد. یوم عید الاضحی بر همۀ مسلمین حرام است روزه‌اش. این ظاهرش این است که نهی از صوم ایام تشریق مربوط به منی است، این ایام تشریق غیر از روز عید قربان است.

[سؤال: ... جواب] ظاهرش این است. فاما بغیرها فلابأس؛ صیام ایام تشریق در غیر منی اشکال ندارد. خلاف ظاهر است که روز عید قربان هم داخل در این صیام ایام تشریق باشد.

آخرین روایت را که بنده عرض می‌کنم راجع به رمی جمار بود که لارمی للجمار الا فی ایام التشریق. رمی جمار مختص ایام تشریق است. خب اگر روز سیزدهم جزء ایام تشریق نباشد، این‌که معنا ندارد؛ چون رمی جمار یکی از ایامش همین روز سیزدهم است.

[سؤال: ... جواب] رمی جمار؛ نگفت رمی جمرۀ عقبه. روز دهم رمی جمرۀ عقبه است. رمی الجمار لاتکون فی ایام التشریق. اگر ایام تشریق روز دهم و یازدهم و دوازدهم است، پس روز سیزدهم خارج از ایام تشریق است. چطور می‌گوید: لایکون رمی الجمار الا فی ایام التشریق با این‌که روز سیزدهم یقینا رمی جمار دارد برای کسی که در منی بماند یا قضاء به گردنش باشد از روزهای قبل، روز سیزدهم جزء ایام رمی جمار است بلااشکال.

در مقابل این طائفۀ اولی، طائفۀ ثانیه است که مفادش این است که ایام تشریق دهم، یازدهم، دوازدهم است.

آقای زنجانی آن مطالبی که ما در جلسۀ قبل عرض کردیم ظاهرا قبول ندارند؛ چون جز این طائفۀ ثانیه روایاتی را آوردند که امر می‌کند به صوم لیلة الحصبة؛ صوم لیلة النفر. معلوم می‌شود ایشان لیلة الحصبة را شب سیزدهم می‌گیرد؛ لیلة النفر را شب سیزدهم می‌گیرد. می‌گوید: یوم الحصبة روز سیزدهم است.

قبول، یوم الحصبة روز سیزدهم است؛ روایت که یوم الحصبة روایت گفت، آن رواتی که قبلا خواندیم یصوم لیلة الحصبة، یتسحر لیلة‌ الحصبة، این‌ها را ایشان می‌زند به روزۀ روز سیزدهم. حالا این طائفه را ما اصلا اصلا مطرح نمی‌کنیم؛ چون تکراری می‌شود بحث. دو تا روایت است؛ خیلی روایت عجیبی است که دلیل ایشان می‌گیرد و واقعا هم جای این هست که استدلال بشود به این دو روایت بر این‌که ایام تشریق شامل روز سیزدهم نمی‌شود.

اولی: روایت سهل بن زیاد که به نظر آقای زنجانی ثقه است، عن الحسن بن محبوب عن ابی‌ایوب الخزاز عن ابی‌عبدالله علیه السلام فی رجل کان علیه صوم شهرین متتابعین فی ظهارٍ فصام ذاالقعدة، کل ماه ذیقعده را روز گرفت، ثمن دخل علیه ذوالحجة، قال: یصوم ذاالحجة کله الا ایام التشریق. ایام تشریق را روزه نگیرد. یقضیها -خوب گوش بدهید- یقضیها فی اول یوم من المحرم حتی یتمّ ثلاثة ایام. سه روز دیگر از اول محرم روزه بگیرد تا آن سه روز ایام تشریق را جبران کند. روز عید قربان چی می‌شود؟ روز عید قربآن‌که مسلم روزه ندارد. اگر ایام تشریق یازدهم، دوازدهم، سیزدهم باشد، باید می‌فرمود: یصوم اربعة ایام حتی یتم این چهار روز را که در ماه ذیحجه روزه نگرفته. اما امام فرمود: یقضیها فی اول یوم من المحرم حتی یتم ثلاثة ایام فیکون قد صام شهرین متتابعین. و لاینبغی له ان‌یقرب اهله حتی یقضی ثلاثة ایام التشریق التی لم‌یصمها.

صحیحۀ دوم صحیحۀ منصور بن حازم عن ابی‌عبدالله علیه السلام یقول: النحر بمنی ثلاثة ایام. قربانی در منی سه روز است. اتفاقا راجع به قربانی هم این بحث هست. -صحیحۀ،‌ حالا صحیحه نگوییم- معتبرۀ عمار موسی ساباطی می‌گوید: الاضحی بمنی اربعة ایام؛ ولی در این صحیحۀ منصور می‌گوید: النحر بمنی ثلاثة ایام. بعد در ذیلش دارد من اراد الصوم لم‌یصم حتی تمضی ثلاثة ایام. و النحر بالامصار یومٌ فمن اراد ان‌یصوم صام من الغد. قربانی در بقیۀ امصار یک روز است؛ فقط روز عید قربان است. هر کی می‌خواهد روزه بگیرد امروز را نگیرد که عید قربان است فرداش روزه بگیرد. اما در منی نحر در منی سه روز است. اگر می‌خواهی روزه بگیری این سه روز را روزه نگیر. قطعا عید قربان جزء ایام نحر است. اگر این را روز اول حساب کنیم دو روز بقیه‌اش می‌ماند یازدهم و دوازدهم؛ سیزدهم چی می‌شود؟

[سؤال: ... جواب] النحر بمنی ثلاثة ایام فمن اراد الصوم لم‌یصم حتی تمضی الثلاثة الایام و النحر بالامصار یوم فمن اراد ان‌یصوم صام من الغد.

و لذا ایشان می‌گوید: جمع عرفی همین را اقتضاء می‌کند. بگوییم: این طائفۀ ثانیه قرینه می‌شود که طائفۀ اولی را حمل بر حکم تنزیهی بکنیم. بگوییم: دو استعمال دارد ایام تشریق. یک استعمالی که روز سیزدهم داخل است. طبق این استعمال نهی داریم از صوم روز سیزدهم نهیا کراهتیا شدیدا. و یک استعمال هم داریم ایام تشریق را بر روز دهم، یازدهم، دوازدهم اطلاق کردند که این دیگه نهی تحریمی است. ذبح هم همین‌طور است. ذبحی که متؤکد است یعنی مستحب مؤکد است این است که یا روز دهم یا یازدهم یا دوازدهم. اما روز سیزدهم مجازید در ذبح قربانی در منی ولی بدانید این اقل ثوابا است.

واقع مطلب این است که این دو تا روایت صحیحۀ منصور و ابی‌ایوب الخزاز که این روایت دوم به نظر ما ضعیف است بخاطر سهل، با وجود آن روایات کثیره در طائفۀ اولی، روایات کثیره بود در طائفۀ اولی، سنت قطعیه بود، این دو روایت می‌شود شاذ نادر. مخصوصا که معرض‌عنه اصحاب هم است. ایام تشریق را اصحاب یازدهم، دوازدهم، سیزدهم معنا کردند. نگاه کنید کلمات را!. شیخ طوسی، علامۀ حلی، صاحب سرائر، ایام تشریق را می‌گویند: سیزدهم جزء ایام تشریق است. این دو روایت می‌شود شاذ نادر. و دع الشاذ النادر الذی لیس بمشهور عند اصحابک. و این جمع عرفی که ایشان گفت، جمع عرفی نیست. ایام تشریق را یک جا می‌گوید: دهم، یازدهم، دوازدهم؛ یک جا می‌گوید: یازدهم، دوازدهم، سیزدهم؛ یک جا امر نیست جای دیگر ترخیص در ترک. یک جا نهی نیست جای دیگر ترخیص در فعل. دو تا خطاب ارشادی و اخباری است. این می‌گوید: ایام تشریق روز دهم، یازدهم، دوازدهم؛ او می‌گوید: ایام تشریق یازدهم، دوازدهم، سیزدهم. جمع عرفی ندارد. و عجیب است از ایشآن‌که جاهای دیگر نقد می‌کند آقای خوئی را که این جمع‌هایی که شما می‌گویید، جمع‌های عرفی نیست، خود ایشان به این جمع ملتزم شده. کجا جمعش عرفی است؟

[سؤال: ... جواب] همه‌اش ایام تشریق بود. در روایت سهل ایام تشریق بود. روایت منصور هم فمن اراد الصوم لم‌یصم حتی تمضی الثلاثة الایام. النحر بمنی ثلاثة ایام یعنی ایام تشریق. ایام تشریق یعنی به مناسبت همین قربانی گفتند؛ منتها مشهور می‌گویند روز دهم را جزء ایام تشریق ذکر نکردند؛ چون تشریق یعنی گوسفندها، شترها که ذبح می‌شوند نحر می‌شوند بگذارید جلوی آفتاب خشک بشوند. تازه روز دهم مشمول ذبح و نحر بودند تا بخواهند بگذارند جلوی آفتاب خشک بشود می‌شد روز یازدهم، دوازدهم، سیزدهم. برای این به آن سه روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم گفتند: ایام التشریق.

[سؤال: ... جواب] می‌گویم ایام تشریق را به مناسبت ایام ذبح گفتند.

ما روایت دوم را با روایت اول یک توجیهی هم می‌خواهیم بکنیم.

این روایت اول، روایت سهل بن زیاد عن ابی‌ایوب الخزاز، بگوییم که مفروغ‌عنه گرفته که روز عید قربان این آقا روزه نمی‌گیرد قضایش را هم مفروغ‌عنه گرفته. و لذا آن‌که مفروغ‌عنه نبود (صوم ایام تشریق) آن را مطرح کرد.

[سؤال: ... جواب] چرا عرفی نیست؟ او هم که می‌گوید سه روز برای این‌که بگوید قضا دارد. صوم عید قربآن‌که معلوم است؛ نگفت بخور نگفت بگیر؛ چون معلوم بود.

[سؤال: ... جواب] چون ایام تشریق را گفت که روزه نگیر. آنی که گفت روزه نگیر حالا می‌گوید: قضا هم بکن. اما صوم عید اضحی که واضح است نباید روزه بگیری و باید قضا بکنی. این‌که احتمال بدهیم که عید اضحی صومش بخشیده شده در کفارۀ شهریین متتابعین در ظهار بگوییم روزه خوردنش که معلوم اما قضا نگفت بکنید نه، شارع بخشیده؛ عید قربان تعطیل عمومی است. روزه نگرفتی قضا هم نکن. احتمالش هست ولی خلاف مفتی‌به اصحاب است و خلاف مرتکز است. اما این‌که ما می‌گوییم موافق با فتاوا و مرتکزات است که روز عید قربان را روزه خوردنش را هم نگفت قضایش را هم نگفت چون واضح بود.

[سؤال: ... جواب] وقتی اصل خوردنش را نگفت قضایش را هم نگوید، عرفی است.

[سؤال: ... جواب] بعضی چیزها واضح است.

[سؤال: ... جواب] می‌گوید: حتی یکمل. روایت داشت که حتی یتم ثلاثة ایام فیکون قد صام شهریین متتابعین. این سه روز را بگیر تا دو ماه کامل گرفته باشی. آن مفروغ‌عنه است که آن یک روز را هم باید بگیری و الا اگر او را نگیری شهرین متتابعین نمی‌شود. اگر این توجیه را بپذیرید و الا می‌شود شاذ نادر. یترک الشاذ النادر.

اما صحیحۀ منصور. صحیحۀ منصور آن هم شبیه همین توجیهی که آقایان نمی‌پذیرند بگوییم: النحر بمنی ثلاثة ایام آن روزهای مشکوک را گفته. عید قربآن‌که همه بلدند که یوم النحر است. نحر در منی سه روز است یعنی سه روز اضافه؛ وقت اضافی. و الا وقت اصلی که همه می‌دانند.

[سؤال: ... جواب] نیازی نیست؛ و حذف ما یعلم جایز. نحر در منی سه روز است. من نمی‌خواهم بگویم: ظهورش این است من می‌گویم در مقام جمع این را بگوییم.

[سؤال: ... جواب] احسنت! در بعض روایات داریم نحر در امصار دو روز است. نگاه کنید! دو روز: عید قربان و یک روز بعدش. یک استعمالات مختلفی است النحر بمنی یومان و لو به قرینۀ روایات دیگر بگوییم یعنی یوم بعد عید الاضحی. آن هم ثلاثة ایام در منی بعد از عید اضحی. اگر این را هم قبول ندارید ما اصرار نداریم. ما یک راهی می‌گوییم شاید باز بشود. فعلا در یک اتاقی گیر کردیم که هوا نیست؛ می‌گوییم بلکه این پنجره را باز کنید یک نسیم خنکی بیاید. اگر آمد آمد؛ اگر نیامد ما متلزمیم به این‌که ترک کنیم این دو روایت را رد کنیم علمش را به اهلش. این راجع به این بحث.

اما ادامۀ بحث را عرض کنم و این بحث را در این مسئله دنبال کنیم.

آقای خوئی فرمودند: الاحوط ان‌یبادر الی الصوم بعد رجوعه من منی. و لایؤخره من دون عذر. احوط این است که بعد از رجوع از منی اول روز چهاردهم یا به تعبیر آقای خوئی اول روز سیزدهم اگر نفرش روز دوازدهم بود، احوط این است که همان روزی که آمد مکه از منی، شروع کند روزه گرفتن را. بدون عذر تاخیر نیاندازد.

کشف اللثام که گفته اکثر اصحاب قائل به وجوب مبادرت هستند به صوم این ثلاثة ایام بعد از ایام تشریق. صاحب جواهر گفته: نخیر، تتبع بکنید می‌فهمید اشتباه است این نقل کاشف اللثام. حق هم با صاحب جواهر است؛ برای این‌که صحیحۀ زراره می‌گوید: من لم‌یجد ثمن الهدی فأحب ان‌یصوم الثلاثة الایام فی العشر الاواخر فلابأس بذلک؛ کسی که ثمن الهدی را نداشت خواست سه روز را در عشر اواخر روزه بگیرد فلابأس بذلک. آقای خوئی به این استدلال می‌کند بر این‌که مبادرت واجب نیست؛ چون صحیحۀ زراره می‌گوید: اگر خواستی در عشر اواخر این سه روز را روزه بگیری اشکال ندارد. و می‌گوید با این صحیحۀ زراره دست بر می‌داریم از ظهور امر به صوم بعد از ایام تشریق، در فوریت. ما اوامری داشتیم آن‌ها ظهور دارد در فوریت. این صحیحۀ زراره به داد ما رسید. و الا یتسحر لیلة الحصبة فیصبح صائما این، ظهور در وجوب دارد. اگر این روایات بود، صحیحۀ زراره نداشتیم می‌گفتیم حق با کاشف اللثام است؛ ظهور یتسحر لیلة الحصبة فیصبح صائما در وجوب است. منتها صحیحۀ زراره می‌گوید: من احب ان‌یصوم الثلاثة الایام فی العشر الاواخر فلابأس بذلک.

به نظر ما از این روایات که ایشان ذکر می‌کند که یصوم بعد ایام التشریق یا یتسحر لیلة الصحبة فیصبح صائما وجوب فوری استفاده نمی‌شود. این‌ها ظاهرند در این‌که در ایام تشریق نباید روزه بگیری. لایصوم ایام التشریق. در مقام بیان این جهت هستند. یصوم بعد ایام التشریق. نه این‌که باید فورا بعد از مضی ایام تشریق روزه بگیری.

[سؤال: ... جواب] چون این روایت نهی از صوم ایام تشریق می‌کرد می‌گفت: انها ایام اکل و شرب. و می‌گفت: بعد از ایام تشریق روزه بگیر این ظهور ندارد در تعین صوم روز چهاردهم.

[سؤال: ... جواب] ببینید! آقای خوئی استدلال کرد گفت: روایت می‌گوید: یصوم ثلاثة ایام بعد التشریق؛ ما می‌گوییم این در مقام ردع از قول بعضی از عامه یا اکثر عامه بود که می‌گفتند در ایام تشریق صوم این ثلاثة ایام بدل هدی مشروع است. امام فرمود: یصوم ثلاثة ایام بعد التشریق. این روایتی هم که می‌گفت:‌ یتسحر لیلة الحصبة فیصبح صائما در سیاق نهی از صوم ایام تشریق بود. راجع به استدلال آقای خوئی به ظهور صم بعد ایام التشریق که قبول دارید اشکال ما وارد است که یصوم بعد ایام التشریق انصافا ظهور ندارد در فوریت. او می‌خواهد بگوید لاتصم ایام التشریق یصوم بعد ایام التشریق. بعد از محرم و صفر برو خواستگاری، یعنی همان شب اول ربیع؟ این ظهور در فوریت دارد؟ این می‌خواهد بگوید محرم و صفر نرو خواستگاری. آن یستحر لیلة الحصبة فیصبح صائما آن را هم بعید نمی‌دانیم که در این سیاق وارد شده که در ایام تشریق اشتباه می‌کنند اکثر عامه که می‌گویند روزه مشروع است؛ صوم ثلاثة ایام بدل هدی مشروع است.

[سؤال: ... جواب] یعنی چه اصرار دارید ایام تشریق این ثلاثة ایام بدل هدی را روزه می‌گیرید؟ بیش از این ظهور ندارد.

حالا اگر اصرار دارید ظهور دارد، بله این صحیحۀ زراره خالی از وجه نیست که بگوییم: ظاهرش ترخیص تاخیر تا آخر ذیحجه است. ولی اگر یک کسی متّه روی خشخاش بگذارد، می‌گوید این روایت در مقابل این است که دهۀ اول لازم نیست. قبول داریم صحیحۀ زراره را اشکال نکنیم. وقت هم گذشته.

اگر ظهور یتسحر لیلة الحصبة در وجوب باشد بر فرض، آقای خوئی درست می‌فرماید که صحیحۀ زراره می‌گوید: من لم‌یجد ثمن الهدی فأحب ان‌یصوم ثلاثة الایام فی العشر الاواخر فلابأس بذلک یعنی دهۀ دوم هم لازم نیست. و روز چهاردهم و پانزدهم و شانزدهم در دهۀ دوم واقع شده. پس لازم نیست. می‌توانی دهۀ سوم روزه بگیری که از بیستم به بعد است. انصاف این است که اشکال نکنیم به دلالت صحیحۀ زراره. و این، ظهورش در عدم وجوب مبادرت بعد از ایام تشریق به صوم واضح است.

بقیة الکلام ان‌شاءالله فردا.